

بررسی نقش رسانه‌های همگانی در گسترش دموکراسی

نورالنساء روحانی

چکیده

رسانه‌ها در یک جامعه مردم‌سالار و دموکراتیک حیثیت رکن چهارم آن دولت را تشکیل می‌دهد، زیرا عملکرد سه قوه دولت را تحت پوشش اطلاع‌رسانی قرار داده و تحت نظر دارد. همین‌طور رسانه‌ها به مثابه چشم و گوش جامعه نقش اساسی در تشکیل باورهای مردم و دموکراتیزه شدن نظام دارند. تأثیرات رسانه‌ها در تشکیل چگونگی باورهای مردم فوق‌العاده نتیجه‌بخش است که حتی ذریعه آن می‌شود که رفتار مردم را کنترل نمود. اما وجود مسئولان انحصارگر رسانه‌ها، دولت‌استبدادی و رقابت در میان رسانه‌ها برای جذب مخاطب چالش‌های می‌باشند که رسانه‌ها را برای اجرای نقش مثبت در جامعه به مشکل مواجه ساخته است، در افغانستان که هنوز در حال گذر به سوی دموکراسی است، رسانه‌های زیادی بوجود آمده و مصروف فعالیت در حوزه اطلاع‌رسانی، نشر اطلاعات و سرگرمی می‌باشند. این تحقیق تلاش دارد با اتکا به روش توصیفی و تحلیلی و بهره‌گیری از رویکرد نظری به بررسی اهمیت رسانه‌ها برای ایجاد حکومت داری خوب در افغانستان بپردازد.

کلید واژه‌ها

دموکراسی، رسانه‌های همگانی، نقش رسانه‌ها در گسترش دموکراسی، حق دسترسی به اطلاعات، اقدامات حکومت افغانستان.

هرگاه دموکراسی به معنای حق تعیین سرنوشت مردم به دست خود تعریف شود ناگزیر بحث آگاهی و اطلاع شهروندان برای تاثیر گذاری و نظارت بر امور به میان می آید. در این صورت رسانه ها اساسی ترین نقش در راستای آگاهی جامعه را ایفاء می نمایند. دوروزه درباره تاثیرات مثبت رسانه ها می نویسد: « هنگامی که هیچ صدایی برای مخالفت گویی بر نمی خیزد و هنگامی که حقیقت را نمی توان شناخت، دورغ گویی آسان است. ولی هنگامی که دورغ گویی بسیار دشوار تر می شود که صدا های دیگری به گوش برسند و سخنان دیگر را اصلاح کنند.» (4، 1389:251)

در جوامع کنونی رسانه های همگانی در راه نشر و پخش آزادانه افکار شهروندان، رشد و گسترش دموکراسی، جلوگیری از اجزآت و اعمال خود سرانه مقامات دولتی، دفاع از حقوق و آزادی های شهروندان نقش بسیار عمده و بسزایی را دارا می باشند مثلاً، ارتشاء و فساد را در ادارات آشکار ساخته که منتج به استعفا و واژگون ساختن رئیس دولت و اجرای اصلاحات حکومتی شده است. اما رسانه ها در اجرای این وجیبه و رسالت ملی خود باید از سانسور و قید و بند بی مورد و غیر قانونی دولت، آزاد باشند. گروه های ذی نفوذ اقتصادی، سیاسی و نظامی آنها را تحت فشار قرار ندهند، از اعمال نفوذ، زور به دور باشند و از لحاظ اقتصادی وابستگی جدی نداشته باشند.

با آنکه رسانه های افغان بار ها تلاش نموده اند تا رسالت شان را که همانا اطلاع رسانی به مردم را انجام دهند، اما بدون آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات، رسانه ها هم نمی توانند کار مزید را انجام دهند. بر اساس یک نظر سنجی بوسیله سازمان حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان¹ عدم دسترسی به اطلاعات بیش از نا امنی مانع گزارش های تحقیقی خبرنگاران در افغانستان می شود (15، 1396:13)

اخیراً سازمان گزارشگران بدون مرز، به مناسبت 7 می (روز جهانی آزادی رسانه ها) رده بندی جهانی برای آزادی رسانه ها را منتشر نمود، در این رده بندی که در مدت یک سال وضعیت روزنامه نگاری را در 180 کشور جهان بررسی می کند، نشان می دهد که در ده سال آینده روزنامه نگاری با بحران های ژئوپولیتیک (تهاجمی شدن مدل ها اقتدار گر) ²، فن آوری (نبود تضمین های دموکراتیک) ³، دموکراسی (دوقطبی شدن و سیاست سرکوب) ⁴، اعتماد (تردید ها و کینه نسبت به رسانه ها) ⁵ و بحران اقتصادی (فقر روزنامه نگاری با کیفیت) ⁶ مواجهه خواهند بود. بر اساس گزارش این سازمان دولت جمهوری اسلامی افغانستان با یک رتبه کاهش نسبت به سال قبل در مقام 166 قرار گرفته است، این سازمان نوشته است: « دستاورد های 19 سال گذشته که آزادی رسانه ها و حفاظت از روزنامه نگاران را تضمین می کند زیر تهدید

¹ سازمان حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان (Nai supporting open Media in Afghanistan) در سال نظر سنجی را به منظور شناسایی موانع خبرنگارانی که مصروف تهیه گزارش های پژوهشی هستند را به راه انداخت. این نظر سنجی در مرکز و چهار ولایت؛ هرات، بلخ، کدهار و ننگرهار با 60 رسانه که دارای واحد تولید خبر و گزارش بوده اند، صحبت شد. یافته های این گزارش نشان می دهد 83 در صد خبرنگاران عدم دسترسی به اطلاعات را مانع بزرگ در برابر تهیه گزارش های پژوهشی در کشور می دانند. 30 درصد نبود فضای امن و 10 درصد دیگر عوامل همانند: نبود امکانات مالی، بی توجهی حکومت و جدی نگرفتن گزارش ها از سوی ادارات دولتی را در کنار عدم دسترسی به اطلاعات و نبود امنیت؛ مانع در قبال گزارش های تحقیقی می پندارند.

² A geopolitical crisis (due to the aggressiveness of authoritarian regimes)

³ A technological crisis (due to a lack of democratic guarantees)

⁴ A democratic crisis (due to polarization and repressive policies)

⁵ A crisis of trust (due to suspicion and even hatred of the media)

⁶ An economic crisis (impoverishing quality journalism)

هستند. با وجود دو انتخابات پرمناقشه ولسی جرگه و ریاست جمهوری؛ اما خشونت و شمار خبرنگاران کشته شده نسبت به سال 2018، مرگبارترین سال برای خبرنگاران پس از سقوط طالبان در سال 1381، کمتر است. اقدام های حکومت برای حفاظت از خبرنگاران و رسانه ها و از این میان کمیته مشترک میان رسانه ها و حکومت که به تازگی قانونیت یافته است، امیدواری ها برای تضمین آزادی رسانه ها بیشتر شده است. «این سازمان جنگ های تحمیلی جنگجویان طالبان و دولت اسلامی، آزارگری جنگ سالاران و برخی مسئولان فاسد حکومتی را تهدید جدی برای خبرنگاران، رسانه ها و آزادی اطلاع رسانی عنوان نمود. (16، www.etilaatroz.com)»

در این پژوهش تلاش شده تا نقش رسانه های همگانی در زمینه اطلاع رسانی، تنویر افکار عمومی، آشتی میان گروه های متخاصم و ابتکار اصلاحات سیاسی و اجتماعی به بررسی گرفته شود و بدین منظور تمرکز اصلی این تحقیق روی این سوال اختصاص یافته است که «آیا رسانه های همگانی به عنوان ابزار کنترل دولت در افغانستان در راستای شفاف سازی و گسترش دموکراسی موثر بوده اند؟». در پاسخ به این سوال فرضیه مشخص ذیل، «با توجه بر این که صلح و امنیت اصلی ترین خواست های مردم افغانستان هستند، اما بدون رسانه های آزاد و مستقل، بدون تضمین آزادی بیان و اطلاع رسانی ممکن نمی شود» را طرح نموده ام.

رسانه^۷

مبادله اطلاعات و اندیشه ها بین انسان ها، از ضروریات زندگی اجتماعی است. برقراری ارتباط بین افراد و گروه ها، مستلزم وسایل خاصی است که به کمک آن ها، انسان ها می تواند پیام ها و خواست های خود را به یک دیگر منتقل کنند. به این وسایل، وسیله ارتباطی یا رسانه گفته می شود. (4:17)

یونس شکرخواه در میزگرد نشریات الکترونیک؛ رسانه به چهار دسته تقسیم کرد عبارت اند از: چاپی، الکترونیکی، دیجیتال و سایبر (آن لاین). براساس تعریف وی رسانه های چاپی نشریاتی هستند که بر روی کاغذ چاپ می شوند. رسانه های الکترونیکی که تنها تفاوت این نشریات با چاپی، جنس عرضه آن ها است، یعنی اگر محتوای یک نشریه چاپی عیناً از رادیو پخش شود، نشریه الکترونیکی است. گام های اولیه نشریات الکترونیکی با آنالوگ شروع شد و محتوا از قالب خط به الکترونیکی تغییر کرد. رسانه های دیجیتال رسانه هایی هستند که محتوای آن ها از صفر و یک تشکیل می شود. یعنی متن به صورت صفر و یک بروی اینترنت قرار می گیرد و با فرمت مختلفی همچون Html منتشر می شود. رسانه های سایبر رسانه هایی هستند با همان جنس و فیزیک نشریات دیجیتال، با این تفاوت که دیگر شبیه نسخه چاپی نیستند. مثلاً یک روزنامه تا زمانی که روی کاغذ است، چاپی است. اگر به صورت آنالوگ تبدیل شود، الکترونیکی شده و اگر محتوای آن تبدیل به صفر و یک شود، وارد مقوله دیجیتال شده و اگر چیزهایی شبیه لینک متن یا تصویر یا ویژگی ای دیگر متفاوت از نسخه چاپی به آن اضافه شود، مبدل به رسانه سایبر می شود. از جمله ویژگی هایی که برای رسانه های آن لاین قائل هستند قابلیت تعاملی و برهم کنشی آن ها و نیز آن لاین (برخطی) بودن آن ها است. (8، 1393:19)

⁷ Media

فرزان سجودی در مقاله در آمدی بر نشانه شناسی رادیو؛ رسانه را به دو دسته کلی شنیداری (گفتار، موسیقی و صدا های محیطی) و دیداری (نوشتار و تصویری) تقسیم بندی نموده است که نوع آن مشتمل بر انواع ثابت و متحرک است. با تحولاتی که در عرصه فناوری ارتباطات پدید آمده، نوع سوم از رسانه علاوه بر انواع شنیداری و دیداری مطرح شده که دیداری- شنیداری محسوب می شود. بر این اساس، در رسانه های دیداری- شنیداری، انتقال پیام به مخاطبین، از طریق روش ها و ابزار های مختلفی صورت می گیرد که از جمله آن ها استفاده از عوامل بصری- تصویری و گرافیکی است. (همان:20)

سرور دانش در کتاب خویش تحت عنوان تحلیل قانون اساسی مطبوعات را چنین تعریف کرد که: مطبوعات به معنای عام آن شامل هر نوع نشرات موقوته و غیر موقوته اعم از کتاب، روزنامه، جریده، مجله، هفته نامه، فلم، سینما، تیاتر، نمایش، تلویزیون و رادیو می باشد. (5، 1391:275)

قانون رسانه های همگانی رسانه را چنین تعریف نموده است: رسانه وسیله یا آله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل آتی می باشد:

- رسانه برقی: رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی و اینترنت.
- رسانه چاپی: روزنامه، جریده (هفته نامه، نشریه پانزده روزه، ماهنامه، مجله، گاهنامه، فصلنامه، پوستر و مجموعه خبری) (20، م/4)
- برای رسانه ها وظایف اجتماعی متعددی در نظر گرفته شده، که از این جمله می توان به وظایف خبری-آموزشی، رهنمایی-رهبری و تفریحی-تبلیغی اشاره کرد. (7، 1382:10)

نظام های حقوقی تاسیس رسانه ها

رسانه‌ها ملزم هستند تا از مقررات خاصی پیروی نمایند. این مقررات بستگی به خصوصیات نظام حاکم بر آن جوامع دارد، به صورت کل نظام های حقوقی تاسیس رسانه را به چهار گونه استبدادی^۸، کمونستی^۹، آزادی گرا^{۱۰} و مسئولیت اجتماعی^{۱۱} تقسیم نموده اند. (205:1393، 2) نظام حقوقی رسانه های افغانستان آزادی گرا است؛ در کنار اینکه نشانه هایی از نفوذ نظام مسئولیت اجتماعی نیز در فرایند فعالیت رسانه یی به چشم می خورد. (6:1395، 32)

نقش رسانه های همگانی در راستای گسترش دموکراسی

رسانه ها در دنیای امروز جایگاه قابل توجهی در همه عرصه ها پیدا کرده اند و به عنوان ابزار تسلط بر افکار، اراده و احساسات بشریت محسوب می شوند، اما این تاثیر گذاری و تسلط هم می تواند سازنده و مثبت باشد و هم می تواند مخرب و غیر سازنده؛ زیرا رسانه ها عملکرد دو گانه ئی در خصوص همبستگی ملی و دامن زدن به شکاف های اجتماعی ایفاء می نمایند، در این بخش نقش های اساسی رسانه ها (نقش حمایتی، نظارتی، تفسیر کننده، اطلاع رسانی) مورد بررسی قرار میگیرد.

⁸ نظام استبدادی از منظر تاریخی، طولانی ترین و از نظر جغرافیای، گسترده ترین نظام ها است. این نظام با اختراع ماشین چاپ در سال 1450 میلادی رشد نمود و حدود دو قرن ادامه یافت. نظام استبدادی رسانه ها، نظامی است که در آن حق فعالیت آزادانه به رسانه ها داده نمی شود. در کشور های اقتدار گرا این شیوه برخورد با رسانه ها به چشم می خورد. نشر در آن زمان نوعی توافق بین ناشر و منبع قدرت بود که طی آن منبع قدرت، یک حق انحصاری را اعطاء می کرد و ناشر از منبع قدرت، حمایت می کرد. رسانه ها در آن زمان به مواردی استفاده می شدند که حکمرانان، آگاهی مردم را برای حمایت از سیاست شان نیاز داشتند. (2:1393، 215)

⁹ این نظام مخصوص کشور هایی است که نظام حاکم بر آن جوامع، نظام سوسیالیستی است. پیش از فروپاشی بلوک شرق نمونه های فراوان آن وجود داشت، ولی در حال حاضر فقط در شمار اندکی از کشور ها نظیر چین و کیوبا وجود دارد در این نظام، حکومت حق دارد در محتوای رسانه ها پیش از پخش و نشر دخالت کند، مهمترین کار رسانه ها در این نوع نظام، افشاگری علیه کسانی است که قصد ضربه زدن به حکومت را دارند و نظام حاکم بر جامعه حق دارد به نفع اهداف مورد نظر خود، رسانه ها را سانسور و در کار آنها مداخله کند. (همان: 217)

¹⁰ پایه های نظام رسانه یی آزادی گرا، در قرن 17 به وسیله «جان میلتون» و «جان لاک» نهاده شد و در قرن 18 تکامل یافت. در قرن 19، عملاً تمام کشور های دموکراتیک جهان، این نظریه را پذیرفتند و آنرا در قوانین اساسی کشورشان به کار بردند. طبق نظریه آزادی گرا، دو کارکرد مهم رسانه های جمعی، « آگاه کردن» و « سرگرم کردن» است سومین کارکرد، بوجود آوردن پایه و اساسی برای حمایت اقتصادی و تضمین استقلال مالی رسانه ها است و آن « فروش هر چه بیشتر» و یا «آگاهی های بارزگانی» است. اساساً، مهمترین هدف رسانه ها در این نظام کمک به کشف حقیقت و همکاری در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی با ارائه نظریات گوناگون است. مشخصه مهم این فرایند، آزادی آن از هر گونه کنترل و تسلط دولتی است. رسانه ها در این نظام سیاسی هستند که وظیفه مراقبت از دولت، بر عهده آنها گذاشته شده تا از حدود خود تجاوز نکنند. مهمترین کارکرد رسانه ها نظارت فوق قانونی بر عملکرد دولت (Extra Legal on Government) است. قوانین رسانه های این کشور ها، در حین آزاد گذاشتن رسانه ها با در نظر گرفتن مصالح و منافع واقعی مردم، محدودیت های رسانه ها را در زمینه نشر برخی از اخبار که به استقلال، نظم عمومی، امنیت عمومی، آسایش و سلامت جامعه، اخلاق حسنه، عفت عمومی، حیثیت و زندگی خصوصی افراد لطمه وارد نشود در نظر گرفته اند. (همان: 230-232)

¹¹ در این نظام نقش و کارکرد اجتماعی رسانه ها مورد توجه ویژه قرار گرفته است، تئودور پترسون (Theodore Peterson) در کتاب چهار نظریه رسانه ها می نویسد که « نظریه اجتماعی، پیوند دادن عقاید تازه، به درخت آزادی گرای سنتی است». از آنجائیکه مسئله کنترل، یکی از وجوه اصلی تفاوت بین نظام های مختلف رسانه یی است، طرفداران نظریه مسئولیت اجتماعی می گویند که اگرچه اصول آزادی گرای ممکن است اساساً منطقی باشد، ولی اجرای آنها در جوامع پیچیده معاصر، نیازمند نوعی کنترل است. این کنترل بهتر است از طرف خود رسانه ها باشد و دولت حالت نظارت را بر اجرای قوانین داشته باشد. کنترل از سوی خود رسانه ها، به این معنا است که باید یک تشکل رسانه یی از سوی دست اندرکاران رسانه ها ایجاد شود که در آن نهاد، عملکرد رسانه ها بررسی شود. (همان: 250-252)

نقش حمایتی

رسانه های همگانی به عنوان رکن چهارم دموکراسی برای پیشرفت و توسعه، نقش فعالی در جامعه دارند. پس در کنار حمایت از برنامه ها و سیاست سودمند و توسعه ای دولت افغانستان، باید زمینه را برای راه اندازی این برنامه ها و سیاست ها هموار سازند. به طور مثال، فرض کنیم دولت یک پروژه انکشافی را در یک ولایت می خواهد راه اندازی کند که به دلایل مختلف مردم زمین های شان را از دست دهند، رسانه ها باید در کنار دولت، سودمندی این پروژه را به مردم اطلاع رسانی کنند. (10، 1391:2)

همچنین رسانه ها یکی از مهم ترین ابزار جنگ روانی به شمار می روند و برای رسیدن به هدف و غلبه بر دشمن، رسانه ها مهمترین ابزار این عرصه به شمار می روند؛ حجم وسیع کارکرد رسانه ها در نبرد های نظامی متمرکز است به گونه ای که در موقعیت های جنگی بیشتر مورد بهره برداری قرار می گیرد؛ از این رو گروه های تروریستی از رسانه ها در جهت تاثیر گذاری بر افکار عمومی بیشترین بهره را می برند. گروه تروریستی داعش روزانه ده ها خبر و تصویر در شبکه های اجتماعی نشر می کند و با بهره گیری از تکنیک های رسانه یی به جنایت هایی که مرتکب می شود مشروعیت می بخشد و به افکار عمومی القاء می کند که آن ها در جهت احیای دین و عزت مسلمانان می جنگند. در شرایط کنونی که امنیت و ثبات کشور از سوی گروه های تروریستی در معرض تهدید قرار دارد، نقش مهم و اثر گذار رسانه های همگانی در حمایت از نیرو های امنیتی و دفاعی کشور انکارنا پذیر است و رسانه های تصویری با تولید و ساخت برنامه های تلویزیونی در جهت معرفی ماهیت گروه های تروریستی و برجسته سازی نقش نیروهای امنیتی و دفاعی در جهت دفاع از امنیت و ثبات کشور می تواند، زمینه بسیج افکار عمومی را در حمایت از نیرو های امنیتی کشور فراهم سازد؛ اما بهره گیری از توان و ظرفیت رسانه های همگانی به منظور دفاع از کشور و مقابله با تهدیدات گروه های تروریستی، نیازمند برنامه ریزی و طراحی استراتژی کوتاه مدت و بلند مدت از سوی دولت افغانستان است، تا رسانه های گروهی در پرتوی یک پالیسی مشخص در جنگ رسانه یی علیه گروه های تروریستی عمل نمایند و تجربه نیز ثابت ساخته است، هر کشوری که از امکانات و تجهیزات رسانه ای قومی و برنامه ریزی کار آمد برخوردار باشد، در جنگ رسانه موفق است و در میدان نظامی نیز با پشتیبانی و قدرت رسانه ها می توانند افکار عمومی را با خود همراه ساخته و تمام برنامه ریزی های دشمن را با شکست مواجه سازد. (9، 1393:23)

نقش نظارتی و انتقادی

رسانه های همگانی با نظارت بر عملکرد، حکومت را در معرض قضاوت افکار عمومی قرار می دهند، از وظایف رسانه ها است که به عنوان دیده بان منافع مردم و نظام سیاسی، آگاهی بخشی، تحلیل تفسیر رویداد های سیاسی و اجتماعی، شفاف سازی و پرسشگری، زمینه پاسخگویی حکومت را به افکار عمومی در افغانستان فراهم نمایند. (11، 1398:1) موارد مختلفی از جمله سوء استفاده از قدرت، سوء استفاده از قانون، بی عدالتی، عدم شایسته سالاری، تبعیض، فساد و ... از طریق رسانه ها گزارش داده می شود.

ملک ستیز در نوشته خویشتن تحت عنوان دموکراسی، یعنی آزادی اطلاعات در حمایت از قانون دسترسی به اطلاعات می نگارد: «من درباره حق دسترسی به اطلاعات، از تجربه سال های کاری ام در کمبودیا (۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱) دریافته ام که این قانون، تا چندی اندازه می تواند زمینه را برای پویایی رسانه ها و شگوفایی آزادی بیان فراهم گرداند. نمونه خوب دیگر، بلغاریه بود که دیدم چگونه رسانه های آزاد، نخست وزیر غرق در فساد را با حمایت همین قانون، از پای در آورند. گسترش این قانون، در چهل کشور جهان، برای بومی سازی مردم سالاری پس از جنگ دوم جهانی، راه و روش جدیدی، برای مشروعیت اداره مردمان جهان در حیات سیاسی گشود» (12، 1389:43)

نقش تفسیر کننده و نظر دهنده

نقش مثبت رسانه ها تنها با انتقال اطلاعات و گزارش وقایع به اتمام نمی رسد، بلکه موضوعات سخت و مبهم را که درک آن ها برای مخاطب دشوار است، باید بوسیله رسانه ها تفسیر و تشریح شود. نشر اطلاعات پس زمینه ای موضوعات و ارتباط موضوعات و عمل کرد های جاری با آینده شهروندان، نیز باید بیان شود. همچنین رسانه ها باید به مردم برسانند که دولت چه می کند، و چه باید بکند. این یک چالش بزرگ رسانه ئی است، زیرا از لحاظ اخلاق رسانه ای مشکل زمانی خلق می شود که نظر و تفسیر مبتنی بر علایق شخصی باشد این عمل بی طرفی رسانه ها را زیر سوال خواهد برد. علاوه بر آن انتخاب واژه ها و جاسازی موضوعات در این بخش خیلی مهم است. واژه، عامل تحریک احساسات است و جاسازی موضوعات مثلاً در صفحه نخست یا دوم و یا آخر، نمایانگر اهمیت موضوع می باشد. (10:3)

نقش اطلاع رسانی

رسانه های همگانی به نحوه ی گسترده با مسائل خورد و بزرگ جامعه در آمیخته شده و جرئی از ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور را تشکیل می دهند. ضمن آنکه به عنوان مجرا های اطلاع رسانی و انتقال اخبار و اطلاعات و دیدگاه ها نیز مطرح هستند. رسانه ها در هر سطح و با هر تکنیکی که پیام را منتشر کنند، افکار عمومی را مخاطب قرار می دهند و اهداف عمده ای را دنبال می کنند که مدیریت بر مشارکت سازنده و پویایی سیاسی- اجتماعی مردم از آن جمله است. هر کس و هر گروهی که به دلیل اهداف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیاز به تاثیر گذاری بر افکار عمومی داشته باشد و بخواهد حوزه عمومی را از خود متاثر و با خود همسو کند، نیاز به استفاده از انواع رسانه ها دارد. (همان:4)

اطلاع رسانی از مهم ترین کارکرد رسانه ها است و این رسانه ها هستند که در زمینه دسترسی به اطلاعات و اخبار را فراهم نموده و افراد جامعه اطلاعات لازم را از طریق رسانه ها به دست می آورند. در جوامع گرفتار بحران و منازعات داخلی رسانه ها در بخش اطلاع رسانی رویداد ها و تحلیل و بررسی تحولات سیاسی و تقویت فهم و آگاهی مردم کار کرد مهم و تاثیر گذار دارند، بعد از سقوط طالبان و شکل گیری حکومت انتقالی و منتخب رسانه های همگانی با دیدگاه های متفاوت در افغانستان تاسیس شد و طی این چند سال فعالیت کارنامه خوبی در زمینه ی اطلاع رسانی، آگاهی دهی، آموزش، تحلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور و تشویق مردم به مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی داشته اند. (13، 1392:2)

نقش رسانه ها در جهت تقویت وحدت و همگرایی

رسانه های جمعی به عنوان یک قدرت اثر گذار در جهت تقویت وحدت و همگرایی و هدایت جریانات و گرایش های سیاسی بر محور مشترک می تواند نقش بی بدیل ایفا نماید. در افغانستان به دلیل وجود برخی چند پارچگی های اجتماعی، مذهبی، قومی، زبانی و نا آگاهی مردم، زمینه برای رشد اختلافات قومی، مذهبی و سمتی فراهم می باشد و رسانه ها می توانند با تقویت مشترکات و هماهنگی میان بخش های مختلف جامعه با وجود تفاوت های فکری و سلیقه ئی شرایطی فراهم آورد که اندیشه های تفرقه افگنان و اختلاف بر انگیز رشد نیابد و با ترویج و تقویه روحیه ملی در میان اقوام و گرایش های سیاسی نوعی تفاهم و همگرایی ایجاد نمایند. (همان: 7) عملکرد رسانه ها در افغانستان اگر بررسی شود، دیده می شود که بعضی از این رسانه ها کارنامه خوب دارند و نقش آن ها در جهت وحدت و همگرایی و تقویت روحیه تساهل و مدارا برجسته است، بنابراین لازم است که دولت افغانستان رسانه هایی را که با در نظر داشت منافع ملی به دور از تعصب و تفرقه در جهت همبستگی مردم افغانستان برنامه تولید می کند، حمایت نموده و بستر های لازم را جهت تهیه و ساخت برنامه های بیشتر در این راستا فراهم سازد.

علاوه بر موارد ذکر شده نقش آموزش دهنده، معلومات دهنده و بازتاب دهنده اوضاع به شکل درست « خارج از تمرکز به یک بخش رویداد، و در جریان بازتاب وقایع، از تعصبات و دیدگاه های خصوصی» از مهمترین نقش های رسانه های همگانی در کشور میباشد. (همان: 8-9)

وضعیت رسانه ها در افغانستان

یکی از معیار های حکومتداری خوب^{۱۲} در نظام دموکراسی، قایل شدن ارزش به نقش رسانه ها و آزادی بیان در کشور است تا به مردم موقع داده شود، اندیشه خود را به خاطر اصلاح نظام و جامعه ابراز بدارند و در برابر آن هیچ گونه سانسور و ممانعت وجود نداشته باشد. از آنجا که رسانه های همگانی در صدد نشر حقایق هستند و سعی می نمایند تا با انتقادات سازنده و سالم مقامات دولت را متوجه اعمال و مسئولیت های شان گردانیده و جلو کجروی ها را بگیرند. بناء ناگزیر با موظفین دولت در تقابل و رویارویی واقع می شود و دولت نیز در برابر این انتقادات به دفاع بر می خیزد. در ادامه این بخش تلاش شده تا کارکرد دولت افغانستان در زمینه حمایت از حقوق رسانه ها به بررسی قرار گیرد.

تضمین حق دسترسی به اطلاعات با توشیح قانون دسترسی به اطلاعات

اطلاعات عبارت از تمام سوابق، اسناد و مدارکی است که صرف نظر از شکل ذخیره و نگهداری (سند، نوار، ضبط الکترونیکی و نظیر آن)، صرف نظر از منبع (این که آیا به وسیله مقام عمومی یا سایر مقامات تولید شده باشد) و صرف نظر از تاریخ تولید، در یک واحد دولتی نگهداری می شود. (1،15:1387) حق دسترسی به معلومات را میتوان توانائی شهروندان در بدست آوردن اطلاعاتی که در اختیار دولت است تعریف کرد. (207:6) این حق در ماده ۵۰ قانون اساسی^{۱۳}، ماده ۵ قانون

¹² Good Governance

¹³ اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه، حدودی ندارد.

رسانه های همگانی^{۱۴} و قانون دسترسی به اطلاعات^{۱۵} تسجیل شده است. اقدام حکومت مبنی بر توشیح این قوانین به خصوص قانون دسترسی به اطلاعات یک دستاورد بی نظیر برای دولت افغانستان در سطح جهانی بشمار میرود؛ زیرا افغانستان در هیچ برهه تاریخی دارای چنین قانونی نبوده و باعث شده تا در گزارش سال ۲۰۱۶ دیده بان شفافیت بین المللی در زمینه دسترسی به اطلاعات افغانستان ۷۷ نمره از ۱۵۰ را اخذ نماید و از سوی سازمان گزارشگران بدون مرز نیز یکی از پاسخگو ترین حکومت ها به رسانه معرفی شود. (22، 2018:1)

از لحاظ اجرای این حق، اساسی ترین مشکل در افغانستان عدم اجرای قوانین و پنهان کاری بسیاری از ادارات افغانستان میباشد که سبب شده تا اتباع به سهولت به معلومات مزید که درخواست میکنند نرسند. میزان عملی کردن قانون دسترسی به اطلاعات از سوی خبرنگاران به مشکل رو به رو شده است. براساس گزارش دفتر نی در جریان ماه می 2017، خبرنگاران از وضعیت موجود راضی نبوده و از هر ده خبرنگار 9 خبرنگار حین دسترسی به اطلاعات به مشکل مواجه می شوند. (22، 16:1397) همچنین حکومت، یک قانون دیگر را به نام قانون جرایم سایبری را اجرایی ساخته که «محدود کننده ی آزادی بیان» خوانده می شود، این اقدام حکومت واکنش های زیادی را در پی داشت ابهامات در واژه ها و عبارت های استفاده در این قانون می تواند محدودیت هایی بر آزادی بیان ایجاد کند، به گونه مثال راجع به تولید رسانه ای از آن چه که خلاف اخلاق شمرده می شود، صحبت شده در حالی که گفته نشده که تولید دقیقاً چیست، راجع به این که وارد کردن وسایل تکنیکی و مخابراتی یک قسمت آن ممنوع است، اما بیان نشده که ممنوع چیست. (همان: 28)

ایجاد کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون دسترسی به اطلاعات

مطابق ماده ۱۶ قانون دسترسی به اطلاعات برای تطبیق این قانون، کمیسیونی در مرکز و ولایات با تشکیل و صلاحیت های خاص ایجاد می گردد این کمیسیون در 8 میزان سال 1394 ایجاد شد، البته این کمیسیون در ساحه عمل تنها در پایتخت کشور فعالیت داشته قبلاً در چند ولایت دیگر، مانند بامیان و هلمند فعال شده بود که به دلایلی چون عدم همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ نتوانستند که ادامه فعالیت داشته باشند. در مورد تعداد اعضاء و صلاحیت های این کمیسیون نواقصی موجود می باشد که سبب شده این کمیسیون نتواند به خوبی نقش خود را بازی کند و امروزه این قانون بروی کاغذ باقی مانده است. ماده 22 قانون دسترسی به اطلاعات وظایف و صلاحیت های کمیسیون را بیان می نماید که در میان 13 فقره ای که در این ماده بیان شده است. با اصطلاحات نظارت، بررسی، ارزیابی، ارایه مشوره و گزارش و تصویب لوایح و طرز العمل های مربوط بر می خوریم و این موضوع تبیین کننده این مفهوم است که نقش کمیسیون در تطبیق این قانون صرف نظارت و ارایه مشوره می باشد و بس. صرف در قسمت بررسی شکایات فقره ماده قانون متذکره سه صلاحیت دیگر را به کمیسیون داده است که در صورت تخلف، متخلف از اصول و مکلفیت هایی که در این قانون بیان شده است کمیسیون می تواند از این صلاحیت ها استفاده کند. در قدم اول باید به متخلف توصیه کند که مکلفیت خود را انجام دهد و بار دیگر اشتباه نکند و در قدم ثانی می تواند به صورت کتبی به مکلف متخلف اخطاریه بدهد و در قدم سوم صرف کمیسیون صلاحیت دارد تا پیشنهاد کسر معاش را برای متخلف بدهد. در میان این صلاحیت ها نیز صلاحیتی که مؤثر بوده باشد،

¹⁴ هر شخص حق دارد معلومات را طلب و در یافت نماید. دولت بنابر تقاضای اتباع کشور، معلوماتی را که مطالبه می شود، به دسترس آنان قرار می دهد مگر اینکه معلومات مطالبه شده راز محرم بوده و افشای آن امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد نماید

¹⁵ متقاضی، حق دسترسی به اطلاعات را طبق احکام قانون از ادارات داراست. ادارات مکلف اند، طبق احکام مندرج این قانون، اطلاعات را به دسترس متقاضی

و عامه مردم قرار دهند». (19: م/ 28)

موجود نمی باشد. زیرا تا صلاحیت مؤثر و مفید برای کمیسیون داده نشود، با چنین صلاحیت هایی نمی شود حق دسترسی به اطلاعات را در جامعه تطبیق کرد.

همچنان ایجاد کمیته ی مشترک مصونیت و امنیت خبرنگاران در 13 میزان سال 1395 و کمیته ی بررسی پرونده های خشونت بر خبرنگاران در 9 حوت 1394 از تلاش های امید بخش حکومت در راستای مصونیت خبرنگاران است. (همان: 32-34)

نتیجه گیری

از آنجائیکه رسانه های همگانی، در صدد نشر حقایق هستند و سعی می نمایند تا با انتقادات سازنده و سالم مقامات و موظفین دولت را متوجه اعمال و مسئولیت های شان بگردانند، بناء نا گریز با موظفین دولت در تقابل و رویارویی واقع می شوند و دولت نیز در برابر این انتقادات بدفاع بر می خیزد.

در رژیم های دموکراسی، سعی بر آن است تا به رسانه ها منحصیث چشم و گوش مردم آزادی کامل داده شود تا در چوکات و حدود معینه قانونی افکار، آراء و نظریات مردم را در قبال قضایای مختلف انعکاس دهند. از این رو در برابر دست اندرکاران رسانه قید و بند کمتری وجود دارد. سانسور قبلی بر نشرات لغو قرار داده شده است، مصادره و توقیف روزنامه ها، جراید و کتب ندرتاً در احوال استثنایی آن هم طبق احکام قانون صورت می گیرد. در حالیکه در رژیم های مطلقه و اقتدار گرا، معمولاً سعی به عمل می آید تا با تطبیق سانسور قبلی یا مجبور ساختن ناشرین به اخذ اجازه قبلی، جهت نشر روزنامه، جراید و مجلات به مسئولین دولت حق داده می شود تا با داشتن دست آزاد در انتخاب و اعمال سانسور بر نشرات هر آنچه را مطابق میل و آرزوی خود می دانند، اجازه نشر دهند و مطالبی را که موفق طبع خود و مزاج دولت نیابند، از انتشار باز دارند و در صورت لزوم به مصادره و توقیف نشریه یا محاکمه مدیر مسئول و نویسندگان اقدام کنند. نظام فعلی رسانه ئی در افغانستان شبیه نظام تنبیهی است زیرا در این نظام بسیاری از رسانه های بدون اجازه قبلی از دولت شروع به کار می کنند. اگر جرمی را مرتکب شدند که در قانون پیش بینی شده باشد مورد مجازات قرار می گیرند.

نقش حمایتی، نظارتی، تفسیر کننده، اطلاع رسانی، آموزش دهنده، معلومات دهنده و بازتاب دهنده اوضاع از مهمترین عملکرد رسانه ها در افغانستان می شود اما موجودیت خشونت علیه خبرنگاران و سانسور همواره مورد انتقاد خبرنگاران و نهادهای حمایت کننده خبرنگاران می باشد. بنابر گزارش کمیته مصونیت خبرنگاران در طی سال 2019، 5 مورد قتل، 18 مورد مجروحیت، 25 مورد تهدید، 12 مورد لت و کوب، 33 مورد توهین و بد رفتاری، یک مورد اخراج غیر قانونی، 3 مورد بازداشت غیر قانونی و مورد اختطاف را شامل می شود. (2020: 1، 14)

براساس یک نظر سنجی به بوسیله دفتر نی که در سپتامبر 2015 نشر شد، 48 در صد از اشتراک کنندگان این نظر سنجی گفته اند که سانسور از سوی دولت صورت می گیرد. اعمال سانسور، نگرانی جدی نهاد های مدافع حقوق رسانه ها را بر انگیخته است. به گونه مثال در طی مکتوبی که دفتر نی نشر نمود در 6 سرطان سال 1396 معاون والی فراه به

سایر نهادهای امنیتی و حکومتی این ولایت دستور داده بود که حق مصاحبه با رسانه ها را درباره وضعیت امنیتی فراه را ندارند.^{۱۶}(16-22:20)

برای نخستین بار، در حکومت، وزارت مالیه ی کشور، در یک تصمیم متضاد با قانون رسانه ها، رسانه های چاپی را نیز در سال 1394 مکلف به پرداخت مالیه ساخت، در خالی که به اساس ماده 53 قانون رسانه های همه گانی^{۱۷} و ماده 34 مقرر طرز تاسیس و فعالیت رسانه های همگانی و خصوصی، رسانه های چاپی از پرداخت مالیه معاف اند.(همان:7-8)

¹⁶ طبق هدایت مرکز و جلسه شورای نظامی فراه فیصله به عمل آمده است که من بعد هیچ یک از مسئولان اداره های ملکی و نظامی و دفتر های مطبوعاتی شان درباره ی مسایل امنیتی مصاحبه کرده نمی توانند و فقط مسئول دفتر مطبوعاتی و سخنگوی مقام ولایت در زمینه، اجراءات خواهند فرمود. در بخش دیگر این مکتوب آمده است که: مسئولان دفتر های مطبوعاتی اداره های نظامی و ملکی حق ندارند تا روی مسایل امنیتی ولایت فراه اظهار نظر کنند و در صورت ارائه ی گزارش غیر مسئولانه و نادرست، به مراجع ذی صلاح و رسانه ها، مسئولیت بعدی بدوش همان اداره ها خواهد بود.(15:34)

¹⁷ ماده 53 قانون رسانه های همگانی حکم می کند که: از عواید رسانه های همگانی و موسسات مندرج ماده 27 این قانون (رسانه ها، نهادهای انتشاراتی و مطابع) طبق احکام این قانون مالیه اخذ می گردد. اما در بخش بعدی این ماده آمده است که: رسانه های چاپی موقوف و غیر موقوف از این حکم مستثنی می باشند.

فهرست منابع

- کتب

1. انصاری، باقر (۱۳۸۷) آزادی اطلاعات، تهران: انتشارات دادگستر.
2. انصاری، باقر (۱۳۹۳) حقوق رسانه ها، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
3. بردبار، محمد حسن (۱۳۸۰) در آمدی بر حقوق ارتباط جمعی، تهران: ققنوس.
4. حالمی، دکتر محمد رضا (1389) مبانی علم سیاست، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.
5. دانش، سرور (۱۳۹۱) تحلیل قانون اساسی، کابل: انتشارات امیری.
6. رحمانی، محمد قاسم (۱۳۹۵) حقوق رسانه های همگانی، کابل: انتشارات رسالت.
7. زارعیان، داود (1382) مبانی کلی ارتباطات جمعی، تهران: انتشارات کارگزار روابط عمومی.
8. شکرخواه، سلیمی، یونس، مریم (1393) گرافیک خبری و اطلاع رسانی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها، چاپ اول.

- مقالات

9. عباس زاده، محسن، 1395، رسانه و کنش گری دموکراتیک، تهران: رسانه و فرهنگ پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال 6، شماره 1.
10. میرزائی، غلام رضا، 1391، نقش و اهمیت رسانه ها در جامعه افغانستان، پایگاه خبری پیام آفتاب، قابل دسترس در: <http://m.payman-aftab.com/fa/doc/articale/20915/>
11. احمدی، فواد، 1398، نقش رسانه ها در انتخابات، هشت صبح، قابل دسترس در: <https://8am.af/the-role-oof-the-media-in-the-election>
12. انگاره، 1389، حق دسترسی به اطلاعات، بی جا، دوره دوم، شماره پنجم. قابل دسترس در: <https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&url=http://www.cshrn.af/da/wp-content/uploads/2014/11/Angara7.pdf&ved=2ahUKEwjG2cihlr7fAhXOk4sKHQ18BGAQFjABegQIChAB&usg=AOvVaw3yPFjODaru9eKLewKV7pNi>
13. قادری، علی، 1392، نقش رسانه ها در نظام سیاسی، روزنامه افغانستان قابل دسترس در: http://dailyafghanistan.com.com/opinion_article/20915/
14. مرکز اطلاعات و رسانه های حکومت، 2020، میزان خشونت ها علیه خبرنگاران در سال 2019، قابل دسترس در: <https://www.gmic.gov.af/dari/press-releaes2/3963-2020-01-19-08-25-36>
15. نی حمایت کننده رسلنه ای آزاد افغانستان، 1396، مقایسه وضعیت آزادی بیان در حکومت وحدت ملی و دوران حکومت 13 ساله حامد کرزی، قابل دسترس در: <https://nai.org.af/fa/>
16. <https://www.etalatroz.com/49422/>

17. <https://per.euronews.com/2019/04/18/the-2019-world-press-freedom-index-compliled-by-rsf-iran-170-afghanistan-121>

- قوانین

18. قانون اساسی افغانستان، منتشره جریده رسمی شماره ۸۱۸، کابل، وزارت عدلیه، ۱۳۸۲.

19. قانون دسترسی به اطلاعات، منتشره جریده رسمی شماره 1358، کابل، وزارت عدلیه، 1398.

20. قانون رسانه های همگانی، منتشره جریده رسمی شماره ۷۱، کابل، وزارت عدلیه، ۱۳۸۰.

21. قانون جرایم سایبری، منتشره جریده رسمی شماره 1358، کابل، وزارت عدلیه، 1398.

- گزارشات

22. عزیزی، وحید الله، 2018، نهاد های بین المللی قانون دسترسی به اطلاعات افغانستان بهترین قانون دسترسی به اطلاعات جهان، قابل دسترس در:

23. فهیم، محمد صابر، 1397، عدم دسترسی به اطلاعات پیش از نا امنی مانع گزارش های تحقیقی در افغانستان

می شود، ماهنامه سازمان حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان (نی)، شماره 155